

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

مشک تر

(از خاطرات گذشته)

شهی شبی شکن زلف خود چو مشک تری
شگفته خنده کنان چون سپیده سحری
نظر نمود که نذر نظاره اش بکنم
ز خویش بی خبرم کرد، وه چه بی خبری
سرخسخت بین من و یار، اگر سرم برود
عقیق احمر جانپرور است، یا شگری
تبی ست در تن من از بتی سیه چشمی
خری به عیسی مریم شده ست همسفری
نگار اگر گذر از رهگذار من نکند
رگ جنون مرا هم به عشق پیوند است
بیا وگر نه چنان از تو دور خواهم رفت
که تا به حشر نیابی دگر ز من اثری

بنازم آن پدري را كه چون تواش پسر است خوش آن پسر كه برد فيض آنچنان پدري
به شُكر نعمت يك خنده، شُكر افشاندی
«اسير» اين سخت نيست كمتر از شكري

(شهر نازنين كابل - قوس ۱۳۳۷ ش)